

در یاد خلع ید از استعمار، روز کارگران

هممیهنان، کارگران بیدار دل،

چهل و دو سال پیش، در روز بیستونهم خردادماه یکهزار و سیصد و سی، ایرانیان در پی یک قرن و نیم شکست و پراکندگی، گام استواری در راستای رهایی از سلطه‌ی بیگانه برداشتند و، با خلع ید از استعمار، گردانندگی صنعت نفت را در سراسر کشور بر عهده گرفتند.

این پیروزی در زمانه‌ای به دست آمد که بیشتر ملت‌های جهان زیر یوغ استعمار کهنه و نو قرار داشتند و، بی‌بهره از استقلال، در چنبر واپس‌ماندگی گرفتار بودند. در چنان جوی، در افکندن پنجه در پنجه‌ی غولی سلطه‌گر، که با سالیان دراز بهره‌کشی از داده‌های سرزمینی و نیروی کار ملت‌ها فریبه شده بود، در چارچوب بسیاری از نگرش‌ها نمی‌گنجید؛ ولی ایرانیان در پرتو همبستگی همگانی و، با برخورداری از رهبری خردمندانه‌ی مصدق بزرگ، چنین کار سترگی را به انجام رساندند.

گرچه در تاراندن غارتگران بیگانه همه‌ی مردم بپاخاسته‌ی کشور سهم داشتند؛ ولی در گیرودار اجرای قانون و نصب تابلوی شرکت ملی نفت و برافراشتن درفش ایران بر فراز همه‌ی نهادهای آن، کارگران ستم‌دیده و خشمگین به اندازه‌ای از خود هشیاری و دلیری نشان دادند که «افتخار جاوید» برای این گروه اجتماعی زایا پدید آمد. پس از یک سال، که شایستگی و ورزیدگی فرزندان درآشنای این نیاخاک در نگهداری و گرداندن همه‌ی دستگاه‌های صنعت نفت و حتی ساختن فرآورده‌های تازه‌ای به‌خوبی روشن گردید، حزب ما روز بیستونهم خرداد را به نام «روز کارگران ایران» پیشنهاد کرد و پیشوای ملت نیز بر آن صحنه نهاد.

با پیریزی نخستین واحدهای صنعتی نوین در ایران‌زمین، کارگران به گونه‌ی یک گروه اجتماعی سازنده پا به صحنه‌ی سیاسی کشور گذارند و، در خیزش مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت و سرانجام انقلاب، که هر سه ویژگی سلطه‌ستیزانه داشتند، نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

با پیروزی انقلاب، که در راستای نیاز ملی برای بازگشت به خویش‌ختن خویش بود، امید می‌رفت در ایران بپاخاسته هیچ نشانی از استعمار و استبداد و استثمار بر جای نماند؛ ولی واپس‌گرایان به‌قدرت‌رسیده خیلی زود جدول ارزش‌های آن رستاخیز بزرگ را درهم‌ریختند و جلوگیر هر دگرگونی ریشه‌ای شدند. در این میان، کارگران، که افزون بر پیروی از آرمان‌های ملی خواستار پایان دادن به هر گونه بهرموری نابجا از نیروی خود و نیز جویای زندگی بهتر بودند، با کینه‌توزی بی‌مانند از گرد راه‌رسیدگان، که جز ثروت‌اندوزی هدفی نداشتند، روبه‌رو شدند و هر کوشش حوطلبانه‌ی آنان با سرکوب روبه‌رو گردید.

هم‌اکنون، در اوج سیه‌روزی همگانی، که زاییده‌ی زشت‌کرداری‌های زمامداران یکه‌تاز است، کارگران ایران به‌سختی در تنگنا افتاده‌اند و ایمنی شغلی ندارند، دستمزدی درخور هزینه‌های زندگی دریافت نمی‌کنند، از بیمه‌های اجتماعی درستی برخوردار نمی‌باشند و، با بسته شدن سازمان‌های صنفی، در برابر پای‌مال کردن هر حق قانونی خود بی‌پناه مانده‌اند.

وانگهی، پس از برگزاری نمایش انتخابات رئیس‌جمهوری، که به‌رغم کنارمجویی آشکار مردم و کاهش چشمگیر

رای‌دهندگان باز همچون یک پیروزی از آن یاد می‌کنند، سخن‌پردازی پیرامون جامه‌ی عمل پوشاندن به دنباله‌ی برنامه‌های اقتصادی ایران‌بربادده را از سر گرفته‌اند. بی‌شک، کاهش ارزش پول ملی و بازگذاشتن دروازه‌های کشور به روی کالاهای ساخت بیگانه افت سطح تولید داخلی و خوابیدن کارخانه‌ها را در پی دارد و اردوی کارگران با از دست دادن حرفه و درآمد خود رویه‌رو می‌گردند و، در آینده‌ای نزدیک، نابسامانی‌های بیشتری گریبان این گروه اجتماعی بنیادمند را خواهد گرفت.

در چنین هنگامه‌ای، بر کارگران بیدار دل فرض است تا بی‌درنگ برای بازسازی سندیکاها و اتحادیه‌هایی که قربانی توطئه‌ی انحصارگران شده است به تکاپو پردازند و آماده‌ی دفاع از حقوق قانونی خود و انجام دیگر وظیفه‌های ملی گردند. باشد، با اتحاد بزرگ همه‌ی گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های سیاسی، بار دیگر، بساط یکه‌تازی برچیده شود و، با برقراری مردم‌سالاری، ایران دیرینه‌سال آزادی و آبادی خود را بازیابد.

درد به اردوی کارگران ایران، پیروز باد ملت.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران